

## جوامع العلوم اثر ابن فریغون<sup>۱</sup>

هوشنگ اعلم

تمام آنچه در باب این مؤلف، شعیا بن فریغون<sup>۲</sup> می‌دانیم، این است که شاگرد ابوزید احمد بن سهل بلخی، دانشمند و جغرافی‌دان ایرانی در گذشته به سال ۳۲۲ق/۹۳۴م، بوده است، که در نتیجه رونقش در نیمه نخست سده چهارم هجری بوده است، و این که او *جوامع العلوم* را برای امیر ابوعلی احمد بن محمد بن مظفر، حاکم جوزجان تألیف کرده است.

گرچه این اثر به احتمال زیاد در همان دوره‌ای تألیف شد که کتاب معروف *الفهرست*، نخستین اثر روش‌مند و جامع دنیای اسلام در باب تاریخ علم، اثر ابن‌ندیم تألیف شده بود، به نظر نمی‌رسد که ابن فریغون *الفهرست* را می‌شناخته است، چنان که *جوامع* در روش، عمق دانش و گستره مباحث بسیار فروتر از آن است.

این اثر به دو مقاله تقسیم می‌شود، با این حال این دو هیچ تفاوت موضوعی ندارند. بخش نخست آن (که به سان سراسر اثر هیچ تقسیم جزئی‌تری چون «فصل»، «کتاب» و غیره ندارد) با گزارشی نموداری از دستور زبان عربی (به ویژه صرف، ص ۱-۵۰)، فن انشاء و خوشنویسی شروع می‌شود. به دنبال آن گزارشی در باب دانستنی‌های اولیه‌ای می‌آید که برای منشیان و دبیران خوب که ظاهراً برای خدمت به افراد مهم (به ویژه پادشاهان، وزیران و حاکمان) برگزیده می‌شدند، مورد نیاز بوده است: دانستنی‌های مقدماتی در باب حساب و هندسه (که برای تنظیم گزارش‌ها در باب

۱. نوشته منتشر نشده‌ای که از مرحوم هوشنگ اعلم به زبان فرانسه بر جای مانده و خانم نگار نادری آن را به فارسی برگردانده است. تصویر دست‌نوشته به جا مانده از هوشنگ اعلم در پایان این مقاله پیوست شده است.

۲. ضبط صحیح نام او در نسخه خطی *جوامع العلوم* که در کتابخانه اسکوریال اسپانیا نگهداری می‌شود، آمده است؛ شکل محرف و ناخوانایی را که در دو نسخه خطی ترکیه به چشم می‌خورد، باید نادیده گرفت (خدیبوجم، ص ۱۵۰؛ «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، چاپ ایرج افشار و سایرین، تهران، ۱۳۵۰ ش، ص ۱۴۸-۱۶۲). اما آنچه مربوط به فریغون (و نه فریعون) می‌شود این است که این نام به پدر نگارنده مربوط نیست بلکه سرنام اسطوره‌ای فریغونیان (یا آل فریغون) است، خانواده‌ای برجسته در ماوراءالنهر که برخی از اعضای آن بر ایالت جوزجان حکومت می‌کردند (مقدمه بار تولد بر ترجمه مینورسکی از حدود *العالم*، ص ۵۵، ۶۳-۶۴، ۱۰۱، ۱۱۱؛ مینورسکی، ص ۷۳، ۷۸، ۳۳۶).

مالیاتی که افراد باید می‌پرداختند، دارایی‌ها و املاک، ذخایر سلطنتی، لوازم و شمار سپاه، عایدات حکومت و غیره ضروری بود) بدون غفلت از کیفیات اخلاقی چنین دبیری.

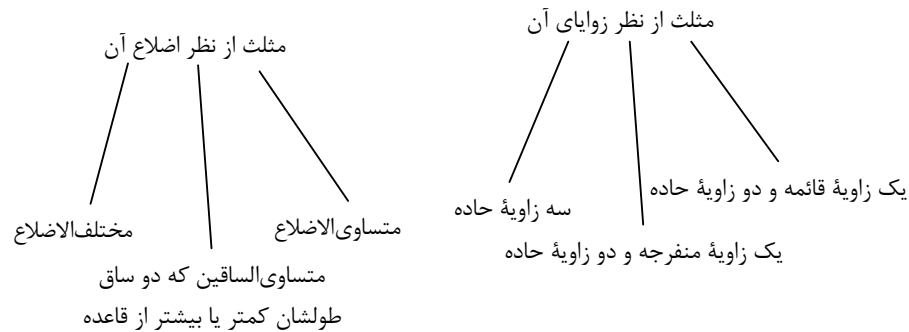
تا اینجا (برگ ۷۲) همه چیز این فکر را به ذهن می‌آورد که این اثر برای دبیران رده اول تألیف شده است؛ اما آنچه در پی می‌آید اجازه می‌دهد بیندیشیم که مؤلف به احتمال، نمونه‌ای عالی از دبیر- مشاور- اخلاقگرا- عالم را در نظر داشته است. در ابتدا زیر عنوان «دین [یعنی هر چه مربوط می‌شود به] مصالح دو جهان» [به تقریب به معنای بهترین طریقه‌ای که حاکم می‌تواند برگزیند تا موفقیت دنیوی و سربلندی اخروی خود را تضمین کند] مطالبی عرضه شده است. از میان انبوه موضوعات مطروحه ناهمخوان موارد زیر را مثال می‌آوریم: اعتقادات، اعمال نیک، قوانین الهی (چون جهاد، ازدواج، نماز، روزه)، رذایل (همچون عصبانیت، ترس، اندوه)، فضائل (که سلطان باید واجد آنها باشد)، «بیماری‌های» اخلاقی و معنوی- برای مثال آز، خست، حسادت، شجاعت کور، بزدلی، جهل، حماقت، دروغ، سنگدلی و تفرعن (برگ‌های ۷۳-۸۵).

در مقاله دوم مؤلف ابتدا به سیاست (فن حکومت، توانایی سیاسی) می‌پردازد: کیفیت‌های لازم برای حاکم یا سلطانی خوب، تفاوت‌های میان طبقات جامعه (کشاورزان، صنعتگران، سپاهیان و غیره)، مأموران در خدمت امیر یا سلطان (نایب‌السلطنه، وزیر، حاجب، محتسب، ندیم و محرم، پزشک مؤتمن و غیره)، آزمودن و گزینش این افراد، سیاست عمومی یا تدبیر اموال دولتی و اتباع (عدالت، امنیت و غیره)، جنگ و کیفیت‌های آن (تدارکات، شناسایی تشکیلات دشمن، شگرد، راهبرد، قابلیت‌های سرباز نمونه، رفتار با اسرای جنگی، ترتیب غنائم جنگی و غیره).

از برگ ۱۰۷ مباحثی درهم آغاز می‌شود که در آنها نظمی نمی‌توان یافت. به عنوان مثال، این شماری از موضوعات منفصلی است که تا پایان اثر با آنها رو به رو می‌شویم: نفس، اعمال (اعم از طبیعی، ارادی و غیره)، شیوه رفتار با افراد گوناگون اعم از برتر، برابر و فروتر؛ شرایط و ملزومات زندگی اجتماعی و خصوصی: تغذیه، لذات جنسی و غیره، تمرین‌های بدنی، ریاضت جسمانی و نفسانی، افراط و اعتدال، عبادات، طبقات جامعه شامل حکمرانان، دانشمندان، فیلسوفان، کشاورزان و صنعتگران؛ علم و گوناگونی آن: علم نطق (هنر سخنوری)، علم الالفاظ، علم المعانی، هر آنچه که برای فهم قرآن لازم است: تفسیر و تأویل، طبقات مختلف عالمان دینی: متکلمان، فقها و محدثان.

علوم فلسفه (که از پانزده قسم آن نام برده است)، فلسفه طبیعی، فیزیک، ریاضیات، فن آموزش، منطق و آثاری در باره منطق، علوم خفیه (شامل ۱۴ علم که ۱۹ برگ به آن اختصاص داده شده است) از جمله احکام نجوم، تعبیر خواب، علم فراست، عیافة (پیشگویی با دقت در حالات حیوانات و پرندگان)، زَجَر (پیشگویی با استفاده از پرواز پرندگان و از بخش‌های عیافة)<sup>۱</sup>، کهانت و عرافة، کیمیا، سحر، طلسمات، محسوسات و امور عارض بر آنها و در پایان افشای چند نمونه حقه‌بازی. (مابقی دستنوشته، یعنی برگ‌های ۱۶۶-۱۷۱، خلاصه‌ای است به قلم شخصی جز نویسنده اثر).

به خلاف ادعای خدیوجم (ص ۱۴۸) و اظهارات سزگین در مقدمه چاپ عکسی، این اثر نه یک دانشنامه و نه خلاصه‌ای از علوم شناخته شده در سده چهارم هجری است. در نهایت می‌توان آن را خلاصه‌ای از دانستنی‌های خیلی ابتدایی در زمینه‌های گوناگون به شمار آورد که هر دبیر یا مدعی دیگری می‌توانست با استفاده از آن داد سخن دهد تا خود را به سان دانشمندی جامع‌الاطراف بنمایاند. این مطلب همچنین با روش نگارنده در معرفی مطلب خود تأیید می‌شود: به جای معرفی خطی متداول، نویسنده به طور عمد نکات مهم را به صورت درختی از دانش بیان می‌کند که به دو یا چند شاخه ختم شده است؛ تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌ها یا توضیحات به طور عموم با کلماتی ساده یا جمله‌هایی کوتاه بیان می‌شوند. برای مثال مثلث (برگ ۷۱):



۱. نک: فهد، توفیق، الکھانة العربیة قبل الاسلام، بیروت، ۲۰۰۷م، ص ۳۰۵.

Se Jawāmi' al-'ulūm d'Ibn Farīqūn

Comme que l'on sait sur cet auteur, Sa'yā Ibn Farīqūn\*, c'est qu'il est un disciple d'Abū Zayd Aḥmad b. Saḥl Balkī, savant iranien né en 322/934; que, par conséquent, il florissait dans la première moitié du 4<sup>e</sup>/10<sup>e</sup> siècle; et qu'il composa cet ouvrage pour l'émir Abū 'Alī Aḥmad b. Moḥammad b. al-Muzaffar, gouverneur de Gūzḡān.

Bien que cet ouvrage ait été composé dans la même période que le célèbre Kitāb al-Fihrist d'Ibn al-Nadīm, Ibn Farīqūn ne semble pas avoir connu al-Fihrist, auquel le Jawāmi' est beaucoup inférieur quant à la méthode, la profondeur du savoir et l'étendue des sujets.

L'ouvrage est divisé en deux maqāla-s qui, cependant, ne présentent aucune différenciation thématique.\*\* Sa première partie (qui, comme tout l'ouvrage, ne comporte aucune subdivision ou fasl "chapitre"; kitāb "livre", etc.) commence par un exposé schématique de la grammaire arabe (surtout la morphologie, ṣarf; fols. 1-50), de l'art épistolaire et de la calligraphie, suivi d'un exposé des connaissances rudimentaires dont aurait besoin un secrétaire destiné à servir les notables (surtout rois, vizirs, gouverneurs): notions élémentaires d'arithmétique, et de géométrie (indispensables pour rédiger des rapports sur les impôts à payer par les sujets, sur les propriétés foncières, les fonds royaux, sur le matériel et le nombre des troupes, sur les revenus de l'État, etc.), sans oublier les qualités morales d'un tel secrétaire.

\*\* Par ce compte rendu nous avons dû utiliser l'édition en facsimilé de cet ouvrage par F. Sezgin (d'après le ms. 2768 de la Collection Ahmet III, Bibliothèque de Topkapı Sarayı, Istanbul), intitulée Compendium of Sciences/Jawāmi' al-'ulūm, Frankfurt am Main, 1985 (171 folios).

\* L'orthographe correcte de son nom est fournie par le ms. de Jawāmi' al-'ulūm conservé à la Bibliothèque d'Escorial (Espagne); la variante déformée et indechiffable du nom, laquelle se rencontre dans les deux mss. de Turquie, est à rejeter (v. le compte rendu de H. Kadiv-e-Jam, p. 159). Quant à Farīqūn (et non pas Farīqūn etc.), ce n'est pas le nom du père de l'auteur, mais l'éponyme des Farīqūnides (Al-i Farīqūn ou Farīqūniyān), une éminente famille de la Transoxiane dont certains membres ont gouverné la province de Gūzḡān/Jūzjān.

\* L'orthographe correcte de son nom est fournie par le ms. de Jawāmi' al-'ulūm conservé à la Bibliothèque d'Escorial (Espagne); la variante déformée et indechiffable du nom, laquelle se rencontre dans les deux mss. de Turquie, est à rejeter (v. le compte rendu de H. Kadiv-e-Jam, p. 159). Quant à Farīqūn (et non pas Farīqūn etc.), ce n'est pas le nom du père de l'auteur, mais l'éponyme des Farīqūnides (Al-i Farīqūn ou Farīqūniyān), une éminente famille de la Transoxiane dont certains membres ont gouverné la province de Gūzḡān/Jūzjān.

(صفت هندی)

duquel ici (fol. 72) tout donne à penser que cet ouvrage a été écrit à l'intention des secrétaires de premier ordre; mais il suit, laisse croire que l'auteur visait probablement un idéal secrétaire-conseiller-moraliste-sage. D'abord, sous la rubrique "religion, [c.-à-d. ce qui se rapporte aux] maṣāliḥ des deux mondes" [approx., le plus commendable modus vivendi & operandi à adopter (par un souverain?) pour assurer sa réussite dans ce monde et son salut dans l'autre]. D'un fatras de sujets disparates esquissés nous citerons les suivants: articles de foi, bonnes actions, institutions divines (telles que le jihad, mariage, ṣalāt [prières rituelles journalières], le jeûne de Ramadan); vices (par ex., colère; peur, tristesse); vertus (qu'un souverain est censé posséder); "maladies" morales et spirituelles - par ex., avidité, avarice, jalousie, courage aveugle, poltronnerie, ignorance, stupidité, mensonge, dureté de cœur, arrogance (folios 73-85).

Dans la seconde maqāla (partie), d'abord l'auteur s'étend sur la siyāsa (l'art de gouverner, habileté politique): les qualités nécessaires à un bon gouverneur/souverain; les différentes couches de la société (agriculteurs et artisans, les militaires, etc.); les autorités au service du gouverneur/souverain (trésorier, vizir, chambellan, muhtasib [commissaire chargé de veiller à l'exactitude des poids et mesures, à l'observance des lois et règlements islamiques], compaignon et confident, médecin privé, etc.); l'examen de ces personnages; politique générale: tadbir et le chah (bonne administration ou gestion) des biens de l'État et des sujets (justice, sécurité, etc.); la guerre et ses modalités (préparatifs, reconnaissance du dispositif de l'ennemi, tactique, stratégie, qualités d'un bon soldat, traitement des prisonniers de guerre, disposition des butins, etc.).

À partir du fol. 107 commence un chapitre dans lequel on ne peut établir aucun ordre logique. Voici un nombre de sujets décausés que l'on rencontre ici (jusqu'à la fin de l'ouvrage): nafs (âme, esprit); actes (naturels, volontaires, etc.); manière de se conduire avec ses supérieurs, ses égaux et ses inférieurs;

-3-

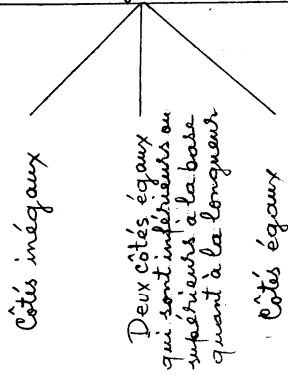
conditions et nécessités de la vie sociale et privée: nourriture, besoins sexuels et autres; exercice physique; mortification corporelle et spirituelle; excès et tempérance; actes de dévotion ('ibādāt); classes de la société: souverains, savants, philosophes, agriculteurs et constructeurs; la science; variétés de la science: 'ilm nuṭqī (le langage, l'art de parler), 'ilm al-alfāz (lexicologie?), 'ilm al-ma'ānī (sémantique, rhétorique); ce qu'il faut pour une bonne compréhension du Coran: tafsīr (traduction et commentaire formels) et ta'wīl (exégèse, interprétation); classes des docteurs de la religion: mutakalimūn (théologiens scolastiques?), fuqahā' (casuistes) et muhaddithūn (traditionnistes); "sciences philosophiques" (15 "sciences" mentionnées); philosophie naturelle/physique, mathématique, didactique; logique et les ouvrages de logique; sciences occultes (14 "sciences"), dont l'astrologie (fols. 148-49), l'onomancie (fols. 149-50), la physionomie (fols. 150-51), 'iyāfā (divination par le vol des oiseaux; fol. 152), ẓāḥr (?; folios 153-54), Kihānā (pratique de dire la bonne aventure, divination; fol. 154), l'alchimie (avec un court exposé du pour et du contre), sihr (magie; fol. 160), talisman (fols. 160-61); les choses "sensibles" et leurs accidents (fol. 164), et enfin (pour terminer l'ouvrage), la dénonciation de quelques exemples de supercherie (fol. 165)! (Le reste du ms., c.-à-d., fols. 166-71, n'est qu'un résumé fait par quelqu'un d'autre que l'auteur.)

Cet ouvrage n'est ni une encyclopédie à proprement parler (contrairement à ce qu'a prétendu Kadiv-e Jām, p. 148) ni un "compendium" ou essai de classification des sciences connues au Xe siècle (contrairement à la déclaration de F. Sezgin dans son introduction à l'édition photostatique). Tout au plus peut-on le considérer un compendium de connaissances souvent très rudimentaires de toutes sortes dont un secrétaire ou tout autre prétendant pourrait faire étalage pour passer en savant tous azimuts. Cela est

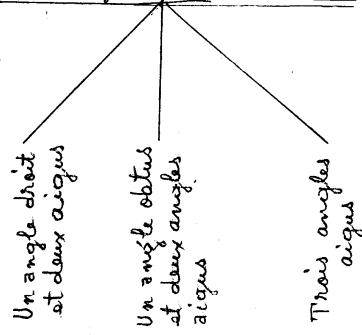
-4-

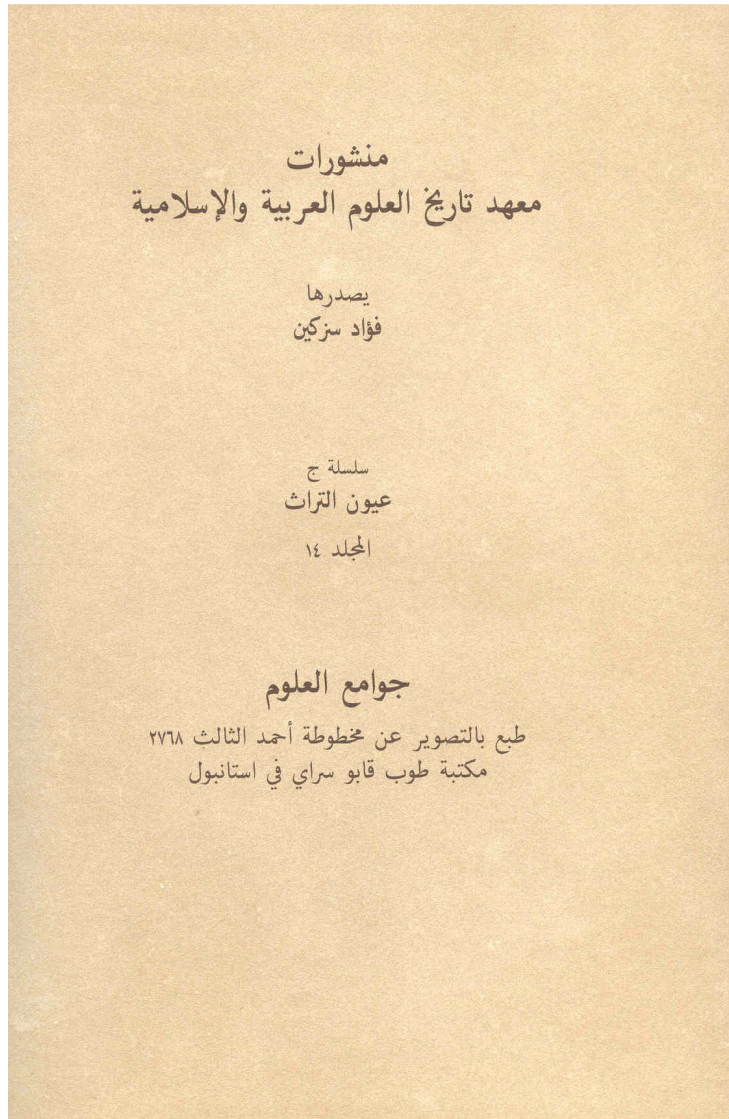
est confirmé par le style que l'auteur a adopté pour présenter son matériel : Au lieu de la présentation linéaire classique, il présente généralement les points marquants sous forme d'embranchement, tel un arbre de savoir qui bifurque ou qui se ramifie ; les définitions, classifications ou explications sont généralement exprimées par des mots simples ou par des phrases courtes. Exemple : rubrique al-mutallat ("triangle"), fol. 71 :

Le triangle selon ses côtés



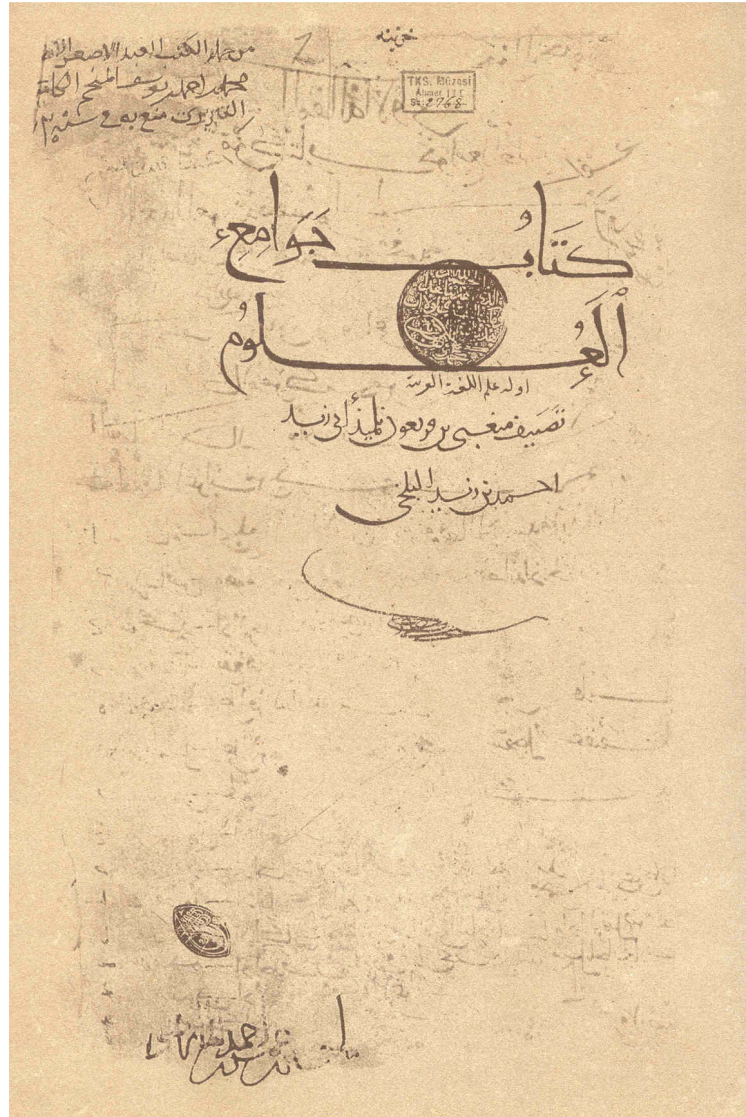
Le triangle selon ses angles





صفحة عنوان چاپ عكسی سزگین از نسخه تویقایی سراي استانبول





تصوير صفحه عنوان نسخه شماره ۲۷۶۸، مجموعه احمد سوم، کتابخانه توقيایی سراي استانبول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
المقالة الأولى  
من كتاب خواص العلوه  
للغة العويصة  
الاسماء والصفات وهي خمسة من حروف مخمسة ومنسية  
من اللغة منسية  
تتبع مضاعفة ويلائي ورباعي وخماسي  
الكلام مركب من  
الاسماء وافعال وادوات  
وتتبعها الاعراب من خمسة  
الاسماء اي بلعشر وفد الاجزئية ثلثه فما فوقها الخمسة واربعة عليها الازياء الستة  
والاسماء الخمسة وهو ما نص عن ثلثة كيد ودرج ففصاحة لدا الحقة جمع اويصعب  
والاسم صريح اذ الرخاطة حرو ومضمومة اوي  
والاسم معتدل يقع فيها اربعة اواكثر  
والاسم قصير على قول النبا وهو الشانق  
والاسم طويل على الترتيب وهو الخماسي  
والاسم متون نحو اخرة نور باللسان توبه دون الكتاب  
والاسم مخمسون اذ العرف من جنسها  
طواسم خمسون اذ كان في حرفها اربعة فليها خمسة فليها ستة  
والاسم مقصور اذ كان على المبدأ ووزنهم مثل الفية وجميع الاعراب على اتمها  
ما وليها من الاسماء اذ كان في حرفها اربعة فليها خمسة فليها ستة  
سوا لغير من جنسها اذ كان في حرفها اربعة فليها خمسة فليها ستة  
والاسم منصرف اذ الصفوف في حروف الاعراب  
مد والاسم غير منصرف اي انقل اللفظ من حروف التثنية  
مد والاسم مقصور اذ كان في حرفها اربعة فليها خمسة فليها ستة  
عجمية الالف عرفت اشتقاق اصلها كجم لا يعرف هو العرف والعزازة

تصوير صفحه نخست نسخه شماره ٢٧٦٨، مجموعه احمد سوم، كتابخانه توقيايي سراي استانبول